

مقدمه

ادبیات پایداری به مجموعه‌ی آثاری اطلاق می‌شود که در دوران خاصی از تاریخ ملتی به وجود آمده، از بیدادهای داخلی یا تجاوزه‌های بیرونی با زبانی ادبی سخن می‌گویند و هدف آن ایجاد روحیه‌ی مبارزه و پایداری در آن ملت است. همزمان با جنگ عراق علیه ایران - در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷- در ایران، نوع خاصی از ادبیات شکل گرفت که «ادبیات دفاع مقدس» نام گرفت. این ادبیات، شاخه‌ای از ادبیات پایداری بود که به جنگ، رویدادهای موازی با جنگ، پیامدهای آن و مسائلی از این دست پرداخته و در حوزه‌های مختلف ادبی از جمله شعر، داستان، نمایشنامه، خاطره و... نمود یافت. حجم انبوه آثار منتشر شده در این زمینه، اهمیت جایگاه آن در میان ادبیات ایران و لزوم بررسی هرچه بیشتر این گونه‌ی ادبی را نشان می‌دهد. آثار ادبی منتشر شده در این حوزه، در سال‌های ابتدایی جنگ تحمیلی برای تهییج روحیه‌ی رزمندگان خلق و مضامینی از قبیل دلاوری، ایثار، شهادت طلبی و... را شامل می‌شد. این آثار نه تنها سطح کیفی خوبی نداشتند، بلکه در بعضی موارد بسیار ضعیف نیز بودند؛ چرا که مؤلفان آن‌ها بیشتر کسانی بودند که تنها تجربه‌ی حضور در جنگ را داشتند و نوشتن درباره‌ی جنگ را رسالت خود می‌دانستند. رفته‌رفته با فاصله گرفتن از جنگ و نگاهی دوباره به آن، در سال‌های اخیر شاهد خلق آثاری بوده‌ایم که از سطح کیفی بهتری برخوردارند و فضای ادبیات دفاع مقدس را پر رونق‌تر کرده‌اند.

از جمله آثار ادبی قابل توجه در حوزه‌ی دفاع مقدس، آثار احمد دهقان است. دهقان از نویسندگانی است که تجربه‌ی حضور در جبهه، زمینه‌ی خلق آثاری با موضوع دفاع مقدس شده است. استقبال خوب خوانندگان - چه خواننده‌ی حرفه‌ای و چه خواننده‌ی غیر حرفه‌ای- از آثار

وی و چاپ متعدد کتاب‌های او، کسب جوایز ادبی و ترجمه به زبان انگلیسی^۱، نگارنده را بر آن داشت با انتخاب دو اثر قابل توجه‌تر این نویسنده، «من قاتل پسران هستم» و «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» - به عنوان دو نوع ادبی داستان کوتاه و رمان - به بررسی این دو اثر بپردازد تا با کشف نقاط قوت و ضعف این داستان‌ها، گامی - هرچند کوچک - در مسیر رشد و تعالی این گونه‌ی ادبی در کشور برداشته شود. این پایان‌نامه به بررسی ساختاری داستان‌های احمد دهقان (من قاتل پسران هستم و سفر به گرای ۲۷۰ درجه) می‌پردازد. پیش از آغاز این بررسی، مطالعه‌ی تحقیق‌های انجام شده بر آثار مذکور نشان داد که با وجود اقبال این دو اثر، هیچ نقد علمی و دانشگاهی در مورد آن‌ها صورت نگرفته و نقدهای انجام شده نیز بیشتر در حد معرفی در روزنامه و یا اظهارنظرهای شخصی بوده است و نیز این دو داستان نه تنها به لحاظ ساختاری مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، بلکه هیچ‌گاه مقایسه‌ای بین داستان کوتاه و رمان وی نیز انجام نشده است.

پژوهش حاضر شامل سه فصل است که هر فصل از بخش‌هایی تشکیل شده است.

در فصل اول با عنوان «چارچوب تحقیق»، مسأله‌ی پژوهش، پرسش‌ها، هدف و ضرورت پژوهش، فرضیه‌ها و پیشینه‌ی پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. این فصل در ابتدای پایان‌نامه قرار داده شده تا خواننده، زمینه و دلایل انتخاب موضوع را بداند. ارائه‌ی فرضیه‌های پژوهش نیز، به این منظور صورت گرفته که پایان‌نامه با نگاهی هدفمند به داستان‌ها دنبال شود.

فصل دوم با عنوان «مفاهیم و مبانی نظری»، از سه بخش تشکیل شده است؛ بخش اول: ادبیات، بخش دوم: ساختارگرایی و بخش سوم: عناصر داستان. در بخش اول این فصل، ادبیات،

^۱ . ترجمه به زبان انگلیسی توسط پال اسپراکمن، نایب رییس مرکز مطالعات دانشگاهی خاورمیانه در دانشگاه راتجزر نیوجرسی

انواع ادبی، ادبیات داستانی و مهم‌ترین زیرشاخه‌های آن (داستان، رمان، داستان کوتاه) - که با موضوع این پایان‌نامه ارتباط بیشتری دارند - تعریف شده است. قسمت پایانی این بخش نیز به معرفی مختصری از ادبیات جنگ، ادبیات پایداری و ادبیات دفاع مقدس در ایران می‌پردازد. بخش دوم این فصل با عنوان «ساختارگرایی»، که یکی از بخش‌های مهم پایان‌نامه را تشکیل می‌دهد، به تعریف ساختار و ساختارگرایی در ادبیات به عنوان مبانی نظری این پژوهش اشاره می‌کند. در این بخش، پس از معرفی ساختار ادبی، پیشینه‌ی تاریخی ساختارگرایی ادبی مورد بررسی قرار گرفته و به نظریات افرادی مانند: سوسور، یاکوبسن، پراپ، استراوس، گرماس، تودورف، بارت و ژنت که تأثیر فراوانی در شکل‌گیری، رشد و ارتقای ساختارگرایی در جهان داشته‌اند، پرداخته می‌شود. از آن‌جا که عناصر داستانی جزء جدانشدنی بررسی ساختاری هر داستانی هستند، پس از این بخش، معرفی و توضیح عناصر داستانی مدّ نظر قرار گرفته و مهم‌ترین عناصر از جمله: طرح، کشمکش، تعلیق، بحران، نقطه‌ی اوج، گره‌گشایی، درون‌مایه، زاویه‌ی دید، شخصیت‌پردازی، لحن، صحنه، گفتگو و زبان بررسی می‌شوند. این عناصر، در تمام داستان‌ها به یک اندازه مورد توجه قرار نگرفته؛ بلکه بنا به قابلیت داستان‌ها، عناصر خاصی بررسی شده است.

فصل سوم پایان‌نامه از سه بخش تشکیل شده است؛ بخش اول به احمد دهقان، زندگینامه و کتاب‌شناسی آثار وی اختصاص دارد. در بخش دوم، با استفاده از مبانی نظری فصول قبل، به تحلیل ساختاری داستان‌های کوتاه مجموعه‌ی داستان «من قاتل پسران هستم» پرداخته می‌شود. در این تحلیل، داستان‌ها نه بر اساس ترتیب کتاب، بلکه بر پایه‌ی تاریخ نگارش آن‌ها بررسی شده‌اند تا در کنار این بررسی سیر فکری و ادبی نویسنده نیز مورد دقت قرار گیرد. بخش سوم نیز به تحلیل ساختاری رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» می‌پردازد. در این پژوهش، بر هیچ نظریه‌ی خاص ساختاری تکیه نشده است و سعی بر آن بوده تا دیدگاه‌های

اساسی ساختارگرایان در مورد آثار داستانی مورد توجه قرار گیرد؛ تنها در بخش روایت، میزان انطباق آثار احمد دهقان با طبقه‌بندی‌های ژرار ژنت سنجیده شده است.

در پایان هر یک از این دو بخش نیز، ارزیابی کلی آثار ارائه شده است. جمع‌بندی نهایی، مقایسه‌ی دو اثر و نتیجه‌گیری بررسی‌ها، پایان‌بخش این پژوهش است. لازم به ذکر است که تحلیل ساختاری داستان‌ها، با توجه به داده‌ها و اطلاعات موجود در هر داستان و نیز امکانات داستان‌ها، صورت گرفته است.

با توجه به طبقه‌بندی‌های ژنت در مورد روایت، داستان‌های دهقان دارای کانون درونی-بازنمود همگن هستند و رفت و برگشت‌های زمانی بسیاری در آن‌ها دیده می‌شود. رمان «سفر به گرای ۲۷۰درجه» از ساختاری ساده برخوردار است اما ۸۰٪ داستان‌های کوتاه ساختاری مدور دارند. زبان به‌کاررفته در این دو اثر، زبانی ساده و محاوره‌ای و به دور از زبان رسمی ادبی است. در آثار احمد دهقان، راوی جزو شخصیت‌های داستان‌هاست و در داستان حضور دارد؛ به عبارت دیگر، زاویه‌ی دید داستان‌ها درونی است و داستان‌ها دارای کانون درونی-بازنمود همگن هستند. بیشتر داستان‌ها به طریق غیر مستقیم روایت می‌شوند و رویدادها یک بار رخ داده‌اند و یک بار یا بیشتر روایت می‌شوند. شخصیت‌ها نیز انسان‌هایی ملموس و عینی‌اند. تعلیق و کشمکش آن‌طور که باید و شاید در داستان‌ها نقش مهمی ندارند. گفتگو نقش چندانی در پیش‌برد داستان‌ها ندارد. در داستان‌های دهقان، مضمون از جایگاه بالاتری نسبت به سایر عناصر داستانی برخوردار بوده و وجه غالب در داستان‌های اوست؛ به طوری که او را می‌توان نویسنده‌ای مضمون‌گرا نامید.

مسأله‌ی پژوهش

روابط و پیوندهایی که اجزای سازنده‌ی یک اثر ادبی با یکدیگر و با کل اثر دارند، ساختار آن را تشکیل می‌دهند؛ به عبارت دیگر هر متنی یک ساختار محسوب و ساختارگرایی به روش بررسی این ساختار گفته می‌شود. از این رو، برای دستیابی به ساختار هر اثر باید اجزای آن را شناخت و سپس به دنبال روابط خاص آن اجزا با یکدیگر بود تا سرانجام بتوان به نتیجه‌ای درست و منطقی رسید. ویژگی خاص این روش آن است که بدون توجه به پیشینه‌ی اثر، تنها خود متن را مورد دقت قرار می‌دهد.

«احمد دهقان» از جمله نویسندگانی است که به دور از بزرگ‌نمایی، به عنوان یک راوی به بازگویی آن چه رخ داده می‌پردازد.

در کارنامه‌ی دهقان، گونه‌های مختلف ادبی همچون رمان، داستان کوتاه و خاطره‌نویسی دیده می‌شود. مهمترین آثار وی عبارت است از:

- رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» (۱۳۷۵): برنده‌ی جایزه بیست سال داستان‌نویسی در چهارمین دوره‌ی انتخاب کتاب سال دفاع مقدس و بیست سال ادبیات پایداری
- مجموعه داستان «من قاتل پسران هستم» (۱۳۸۳): نامزد دریافت جوایز مهرگان ۱۳۸۴، جایزه‌ی ادبی منتقدان مطبوعات ۱۳۸۴، بنیاد گلشیری ۱۳۸۴
- «روزهای آخر» (خاطره)
- «پرنده و تانک» (رمان)

به نظر می‌رسد داستان‌های دهقان به لحاظ برخورداری از نوع روایت، قابلیت بررسی ساختاری را دارند. برای رسیدن به این هدف، در این پایان‌نامه رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» و مجموعه داستان «من قاتل پسران هستم»، به عنوان نمونه‌هایی از رمان و مجموعه داستان‌های کوتاه دهقان از منظر ساختار مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- ساختار داستان‌های احمد دهقان چگونه است؟
 - ۱-۱: درون‌مایه‌ی داستان‌های احمد دهقان چیست؟
 - ۲-۱: عنصر غالب در داستان‌های احمد دهقان کدام است؟
 - ۳-۱: زاویه‌ی دید در داستان‌های مورد بحث چگونه است؟
 - ۴-۱: شخصیت‌های داستان‌های احمد دهقان چگونه‌اند و نحوه‌ی پرداخت آن‌ها به چه صورتی انجام گرفته است؟
 - ۵-۱: زبان به‌کاررفته در داستان‌های مورد بحث چگونه است و دلیل انتخاب آن چیست؟
- ۲- داستان‌های احمد دهقان تا چه حد با نظریه ژنت درباره‌ی روایت منطبق هستند؟

هدف پژوهش و ضرورت آن

آثار ادبی آن‌گاه به خوبی شناخته می‌شوند که مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند. در این میان، تحقیق در حیطه‌ی ادبیات دفاع مقدس به دلیل نوپایی و تازگی می‌تواند جایگاه این حوزه را در ادبیات امروز ایران تثبیت کرده و نیز راه‌گشای آیندگانی باشد که در این راه گام خواهند گذاشت. از سویی آثار منتشر شده در این حوزه، علاوه بر داشتن ارزش ادبی، به دلیل این‌که بازگوکننده‌ی بخش خاصی از تاریخ این سرزمین و مجموعه‌ای از عادات اجتماعی مردم آن دوره هستند، می‌توانند سند ثبت شده‌ای برای استفاده‌ی نسل‌هایی باشند که خود جنگ را حس نکرده‌اند. از این‌رو ضرورت تحقیق و پژوهش در این زمینه، برای یافتن دلایل اقبال یا عدم اقبال این قبیل آثار و نگاهی دوباره به آن‌ها به خوبی حس می‌شود. در این راستا آثار احمد دهقان به ویژه دو اثر او - سفر به گرای ۲۷۰ درجه و من قاتل پسران هستم - از مختصات مقبول بودن برخوردارند؛ بنابراین نیاز به بررسی بیشتری دارند.

فرضیه‌های پژوهش

۱-۱: داستان‌های دهقان، حکایت انسان را بازگو می‌کنند؛ انسانی تنها که چاره‌ای جز پناه بردن به درون خود ندارد. دهقان با دقت و تیزبینی نسبت به عکس‌العمل آدمی در موقعیت‌های خاصی که تنها در بستر جنگ ایجاد می‌شوند، زوایای پنهان درون آدمی را آشکار می‌کند و به تقابل‌ها و تفاوت‌های رفتاری انسان امروز و انسان زمان جنگ می‌پردازد.

۲-۱: به نظر می‌رسد عنصر غالب به کار رفته در داستان‌های مورد بحث، مضمون باشد. دهقان با انتخاب مضامینی بکر و پرهیز از کلیشه و نیز استفاده از تجربیات خود در جنگ، سعی در ارائه‌ی چهره‌ای هر چه واقعی‌تر از جنگ و مسائل پیرامون آن دارد.

۳-۱: زاویه‌ی دید تمام داستان‌های دهقان، زاویه‌ی دید اول شخص بوده و از کانون درونی بهره برده‌اند. این نوع زاویه‌ی دید به دلیل درگیر کردن راوی در بطن داستان، باعث همراهی بیشتر خواننده با راوی و نیز شخصیت اصلی داستان می‌شود.

۴-۱: شخصیت‌های داستان‌های دهقان، افرادی معمولی و از طبقه‌ی متوسط جامعه هستند که در شرایط خاص، عکس‌العملی غیر قابل پیش‌بینی از خود نشان می‌دهند. دهقان با قرار دادن این شخصیت‌ها در موقعیت‌های خاص، بعد درونی و پنهان آن‌ها را در معرض دید خواننده قرار داده و معمولاً این کار را به طور غیر مستقیم با نشان دادن اعمال و گفتار آن‌ها انجام می‌دهد.

۵-۱: زبان داستان‌ها، ساده، بدون پیچیدگی خاص زبانی و تا حدود بسیاری عامیانه است. از این‌رو ویژگی‌های خاص زبان محاوره از جمله واژگان و اصطلاحات عامیانه، کنایات و نیز تغییر ارکان جمله در آن دیده می‌شود.

۲- به نظر می‌رسد داستان‌های احمد دهقان، تا حدود بسیاری با نظریه‌ی انواع روایت ژنت منطبق باشد. بیشتر داستان‌های دهقان دارای کانون درونی - بازنمود همگن بوده و میان زمان روایت و خود روایت فاصله وجود دارد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، آثار فراوانی درباره‌ی ادبیات دفاع مقدس و به ویژه ادبیات داستانی این حوزه نگاشته شده است. به دلیل ضرورت تحقیق و پژوهش در این حوزه، انتشار آثار پژوهشی و مستند رو به افزایش است. از میان این آثار، دسته‌ای به حوزه‌ی مباحث نظری ادبیات داستانی دفاع مقدس پرداخته‌اند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اکبری شلدراهی، فریدون (۱۳۸۲). در آمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی. چاپ اول. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

دو بخش پایانی این کتاب، به ادبیات داستانی جنگ در دهه‌ی نخست و دهه‌ی دوم پس از انقلاب اسلامی پرداخته و نوع نگاه نویسندگان به مسأله‌ی جنگ را در این دو دهه بررسی کرده است. در این کتاب نحوه‌ی شکل‌گیری ادبیات جنگ و وضعیت آن، نگرش‌های مربوط به جنگ و تأثیر آن نگرش‌ها در آفرینش آثار ادبی و به ویژه ادبیات داستانی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی (۱۳۷۳). مجموعه مقالات سمینار بررسی رمان جنگ در ایران و جهان. چاپ اول. تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.

این مجموعه شامل ۳۲ مقاله است و مهم‌ترین آن مقالات که با بحث ادبیات داستانی جنگ مرتبط هستند، عبارت‌اند از: آینده‌ی رمان و داستان‌نویسی جنگ در ایران (احمد دهقان)، رابطه‌ی تعاملی ادبیات داستانی و جنگ (مهدی شجاعی)، نقش ادبیات داستانی در تبیین و تثبیت ارزش‌های جنگ و باورهای معنوی آن (عبدالرضا مدرس‌زاده) و جنگ و روایت آن در ادبیات داستانی (احمد مسجد جامعی).

میرعابدینی، حسن (۱۳۸۰). صد سال داستان‌نویسی در ایران. جلد چهارم. تهران: چشمه. جلد چهارم این کتاب چهار جلدی، به نقد و بررسی آثار داستانی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۵۸ اختصاص دارد. نویسنده، پس از توصیف زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی تحول ادبی سال‌های

پس از انقلاب، آثار ادبی و داستان‌های این دوران را از جنبه‌های مختلف بررسی می‌کند. برخی از این جنبه‌ها عبارت‌اند از: واقع‌گرایی داستان، ادبیات جنگ، مهاجرت و خاطره و... .
دسته‌ی دیگر، آثاری هستند که به دو اثر احمد دهقان - سفر به گرای ۲۷۰ درجه و من قاتل پسران هستم - می‌پردازند:

سلیمانی، بلقیس (۱۳۸۰). **تفنگ و ترازو**. چاپ اول. تهران: نشر روزگار.

کتاب شامل چهار مقاله و نقد و بررسی ده رمان ادبیات جنگ است. از بین این مقاله‌ها، دو مقاله با عنوان «بررسی ساختاری داستان‌های کوتاه جنگ» و «ادبیات دفاع مقدس در یک نگاه» در بحث مربوط به ادبیات داستانی دفاع مقدس می‌توانند سودمند باشند. در میان رمان‌های بررسی شده نیز، از نقد رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» می‌توان بهره برد؛ اگرچه بررسی این رمان به صورتی کاملاً کلی و اجمالی صورت گرفته است، اما می‌تواند افقی جدید به روی پژوهش‌گر باز کند.

- پارسی‌نژاد، کامران (۱۳۷۷). «نقدی بر کتاب سفر به گرای ۲۷۰ درجه». **ادبیات داستانی**، ش ۴۳، صص ۱۱۸ - ۱۱۲.

این مقاله به بررسی عناصر داستانی موجود در این رمان پرداخته و نقاط ضعف و قوت آن را به طور خلاصه گزارش می‌کند.

- خدادوست، ابراهیم (۱۳۸۴). «و این بار جنگ». کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ۹۶، صص ۱۰۳ - ۱۰۲.

این مقاله به بررسی شتابزده و سریع مجموعه داستان «من قاتل پسران هستم» می‌پردازد.

- شهسواری، محمد حسن (۱۳۷۸). «تناسب کارکرد اجزا بدون مجسمه داوود». **انتخاب**، ص ۷.

- علی پور عسگری، بهناز (۱۳۸۴). «جنگ و ادبیات و حدیث بازگشتگان». کتاب ماه ادبیات و

فلسفه، ۹۶، صص ۱۰۱-۱۰۰.

این مقاله به نقد داستان «بازگشت» - یکی از داستان‌های مجموعه‌ی «من قاتل پسران

هستم» - می‌پردازد.

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در میان نقدهای صورت گرفته بر آثار داستانی احمد دهقان، بررسی و تحلیلی منطقی و دقیق از ساختار این دو اثر - سفر به گرای ۲۷۰ درجه و من قاتل پسران هستم - انجام نشده است و اکثر این نقدها نه بر اساس اصول صحیح انتقادی، بلکه بیشتر اظهار نظرهای کلی است. نکته‌ی مهم دیگری که باید یادآوری کرد این است که در میان این نقدها، هرگز مقایسه‌ای - ولو اجمالی - بین این دو اثر به عنوان دو گونه‌ی ادبی - رمان و داستان کوتاه - صورت نگرفته است؛ از این رو لازم است با مقایسه‌ی این دو، به نکات مشترک و اختلافات موجود در آنها پرداخته شود تا بتوان الگویی کامل برای آثار این نویسنده یافت.

۱- بخش اول: ادبیات، انواع و گونه‌های آن

۱-۱- ادبیات

ادبیات از زمان پیدایش تا رسیدن به این مرحله از عمرش، راهی طولانی را پشت سر گذاشته است. عمر پیدایش ادبیات به عمر انسان نخستین برمی‌گردد؛ آن هنگام که انسان اولیه به آسمان پرستاره نگریست و با خود زمزمه کرد: «آه چه آسمان زیبایی!» وارد دنیای ادبیات شد. اما بعدها با اختراع خط و کتابت بود که به آن عینیت بخشید و تخیلات و ذهنیات خود را به صورت مکتوب درآورد؛ هر چند تا رسیدن به ادبیات در معنای امروزی راه زیادی را در پیش داشت. رسیدن به تعریفی جامع و مانع از ادبیات که بتواند تمام - یا بیشتر- زوایای آن را روشن کند، دشوار و تا اندازه‌ی بسیاری ناممکن به نظر می‌رسد.

ادبیات چون قایقی میان هنر و علم در حرکت است؛ نه هنر صرف است که بتوان یکسره به عنوان پدیده‌ای هنری به آن نگریست و نه علم صرف است که بتوان مانند تمام علوم برای آن نظریه‌ها و قوانین ثابتی وضع کرد و در عین حال هر دوی اینهاست. گویی موجودی است با دو نیمه‌ی متضاد: علم و هنر. در مورد نیمه‌ای که مربوط به علم می‌شود می‌توان نظر داد، سخنرانی کرد و حتی قانون صادر کرد؛ اما در مورد نیمه‌ی دیگر آن که در حوزه‌ی هنر قرار می‌گیرد، نمی‌توان به قطعیت نظر داد و هر کس به فراخور حالش، آن‌چه را که می‌خواهد برداشت می‌کند و درستی یا نادرستی آن برداشت را نیز نمی‌توان تعیین کرد. ادبیات دنیای پیچیدگی‌ها، راز و رمزها و ابهامات است؛ دنیایی که با تمام رنگارنگی، گاه چنان تاریک می‌نماید که به سختی می‌توان گوشه‌ای از زوایای آن را کشف کرد؛ اینجاست که به هنر بیشتر پهلوی می‌زند.

در دنیای ادبیات، در مورد هیچ چیز نمی‌توان با قطعیت سخن گفت، حتی در مورد تعریف ادبیات؛ چرا که ادبیات همچون دیگر پدیده‌ها، دارای شاخصه‌های ثابت و نامتغیر نیست که اگر اثر مورد نظر ما آن مشخصه‌ها را داشت، بگوییم ادبیات است؛ اما به هر حال برای آن تعاریفی ذکر کرده‌اند. در کتاب «واژه‌نامه‌ی هنر داستان‌نویسی» ادبیات چنین تعریف شده است:

«ادبیات به معنای خاص، به هر اثر شکوهمند و ممتازی گفته می‌شود که در آن عامل تخیل دخیل باشد و در ضمن با دنیای واقعی نیز ارتباط معناداری داشته باشد. از این‌رو، اغلب از ادبیات به معنای خاص کلمه با عنوان ادبیات تخیلی imaginative یاد می‌کنند، بنابراین ادبیات به معنای خاص یا ادبیات تخیلی در برگیرنده همه انواع آثار خلاقه شکوهمند و عالی است، چه شعر و چه نثر؛ مانند منظومه‌های حماسی، غنایی، نمایشی، تعلیمی، قصه، داستان کوتاه، رمان، رمانس و آثار وابسته به آن‌ها و در کل شامل ادبیات نمایشی و ادبیات روایتی می‌شود.» (میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی، ۱۳۷۷: ۶)

تعاریف گوناگونی از ادبیات با نظر به جنبه‌های مختلف آن ارائه شده است؛ اما یکی از بهترین و مقبول‌ترین آن تعاریف، به کیفیت به کارگیری خاص زبان در ادبیات اشاره دارد: «شاید بتوان ادبیات را نه بر مبنای داستانی یا تخیلی بودن بلکه بر این اساس که زبان را به شیوه‌ی خاصی به کار می‌گیرد، تعریف کرد. ... ادبیات، زبان را دگرگون می‌کند، قوت می‌بخشد و به گونه‌ای نظام‌یافته آن را از گفتار روزمره منحرف می‌سازد.» (ایگلتون، ۱۳۸۶: ۵)

در ادبیات با زبانی غیر از زبان گفتار مواجهیم و همین اصل است که در ابتدای امر، توجه ما را به ادبی بودن اثر جلب می‌کند؛ ادبیات، یعنی انحراف از هنجار معمول زبان.

مدافعان ادبیات، وجود ادبیات را در زندگی انسان ضروری می‌دانند؛ چرا که معتقدند ادبیات با ارائه‌ی تصویری دوباره از جهان به خوانندگان کمک می‌کند انسان‌های بهتری شوند؛ آن‌ها را با موقعیت‌ها و تجربیاتی آشنا می‌کند که خود قادر به درک آن شرایط نبوده‌اند. آن‌ها معتقدند ادبیات، تمدن، فرهنگ و انسان‌ساز است. خواننده‌ی ادبیات با شخصیت‌هایی هم‌ذات‌پنداری

می‌کند که در شرایط دیگری به سر می‌برند و به این ترتیب همدلی را نیز ترویج می‌کند. همچنین خواننده را وادار می‌کند به واری رفتار خود بپردازد. (کالر، ۱۳۸۲: ۵۵-۵۴)

آن‌چه مسلم است ادبیات نیز مانند زندگی از منطق و اصول علمی و روابط علمی و معلولی تأیید شده تبعیت نمی‌کند؛ به عبارت دیگر نهادی است متناقض‌نما؛ پس طبیعی است که در مورد پدیده‌ای که چنین متناقض می‌نماید، نتوان به قطعیت نظر داد. بنابراین دستیابی به تعریفی دقیق و کامل از مقوله‌ی ادبیات، شاید انتظار نامعقولی باشد. اما آن‌چه اهمیت دارد این است که «ادبیات باید غباری را که بر اثر یکنواختی و تکرار بر بینش ما نشسته است بزدايد. نویسنده - یا شاعر- برای این منظور می‌کوشد باعث شود با سرعت کمتری به دور و بر خود نگاه کنیم تا از این طریق همه چیز را تیزبینانه‌تر ببینیم و به همه کس با نگاهی حساس‌تر بنگریم. به این ترتیب است که همراه با دگرگون شدن ادراک یکنواخت و عادت‌گونه‌ی ما، واکنش‌مان به دنیای پیرامون نیز دچار تحول می‌شود.» (پاینده، ۱۳۸۲: ۱۲۸)

ادبیات و زندگی همواره پیوندی ناگسستنی با یکدیگر داشته و دارند و این پیوند یکی از دلایل پیدایش انواع مختلف ادبی در طول قرن‌ها شده است. انواع ادبی تحت تأثیر جریان‌های فکری، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی محیط زندگی آفرینندگان آثار همواره در حال دگرگونی و تحول بوده است.

انواع ادبی - منظوم و منثور - را با دو نگاه می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ با توجه به شکل و قالب یا بر اساس موضوع و معنا. پرداختن به انواع منظوم آثار ادبی به دلیل گستردگی موضوع، در حیطه‌ی کار این تحقیق قرار نمی‌گیرد؛ اما شرح مختصر و اجمالی طبقه‌بندی انواع ادبی منثور لازم به نظر می‌رسد.

آثار ادبی منثور فارسی از لحاظ نوع قالب یا صورت به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

قصه

افسانه

داستان }
داستان کوتاه } رمان
داستان بلند }

حکایت

لطیفه

مثل

مقامه

نامه

سفرنامه

زندگینامه

اتوبیوگرافی

نمایشنامه

فیلمنامه

آثار منشور ادب فارسی از لحاظ محتوا و مضمون:

۱. آثار حماسی

۲. آثار غنایی

۳. آثار تاریخی

۴. آثار دینی

۵. آثار عرفانی

۶. آثار حکمی و اخلاقی

۷. آثار علمی و فلسفی

۸. تراجم احوال بزرگان دین و دانش

لازم به ذکر است برخی از این انواع مربوط به دوره‌های گذشته و برخی محصول زمان حال هستند. از آن‌جا که حوزه‌ی کار این پایان‌نامه مربوط به ادبیات داستانی است، نیازی به توضیح انواع دیگر ادبی احساس نمی‌شود؛ بنابراین تنها آن بخش از شاخه‌های ادبیات داستانی مورد بررسی قرار می‌گیرند که در مسیر این پژوهش قرار دارند؛ یعنی داستان، رمان و داستان کوتاه.

۱-۲- ادبیات داستانی (Fiction)

«ادبیات داستانی، بخشی از ادبیات یا ادبیات تخیلی است و تفاوت عمده‌ی آن‌ها با هم در این است که ادبیات داستانی همه‌ی انواع آثار داستانی روایتی منثور را در بر می‌گیرد، خواه این انواع از خصوصیت شکوهمندی ادبیات تخیلی برخوردار باشد، خواه نباشد؛ یعنی هر اثر روایتی منثور خلاقه‌ای که با دنیای واقعی ارتباط معنی‌داری داشته باشد، در حوزه‌ی ادبیات داستانی قرار می‌گیرد. ادبیات داستانی شامل قصه، رمانس، رمان، داستان کوتاه و آثار وابسته به آن‌هاست.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۱)

سیما داد در «فرهنگ اصطلاحات ادبی» ادبیات داستانی را این‌گونه تعریف می‌کند: «این اصطلاح کلاً به آن دسته از آثار روایتی منثور اطلاق می‌شود که جنبه‌ی خلاقه‌ی آن‌ها بر واقعیت غلبه دارد و شامل قصه، داستان کوتاه، داستان بلند، رمان و رمان کوتاه می‌شود.

موضوعات مورد توجه ادبیات داستانی معمولاً تخیلی و ساخته و پرداخته‌ی یک ذهن خلاق است و به بیان امور حقیقی یا حقایق تاریخی نمی‌پردازد. اما چنانچه درونمایه‌ی یک قالب ادبی

^۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک به کتاب‌های مربوط مانند: سیروس، شمیسا (۱۳۸۳) انواع ادبی/ حسین، رزمجو (۱۳۷۰). انواع ادبی/ محمود، عابدینی (۱۳۸۳). انواع ادبی.

از حقایق تاریخی یا واقعیت‌های دیگر مایه گرفته باشد، معمولاً آن را با عناوین "داستان تاریخی" یا "زندگینامه‌ی داستانی" و عباراتی نظیر این‌ها مشخص می‌کنند.» (داد، ۱۳۸۰: ۲۲)

در تمام فرهنگ‌های ادبی جهان، ادبیات داستانی به زیرشاخه‌هایی تقسیم و شامل قصه، رمانس، رمان، داستان کوتاه، رمان کوتاه و داستان کوتاه می‌شود. پرداختن به تمام این زیرشاخه‌ها در طول پایان‌نامه ضروری به نظر نمی‌رسد، اما در مورد دو نوع ادبی رمان و داستان کوتاه - که پایه و مبنای کار این پروژه هستند - لازم است تأمل بیشتری صورت گیرد؛ از این رو باید قبل از ورود به بحث تحلیل آثار، معرفی مفیدی - هرچند مختصر - در باب تاریخچه و مهم‌ترین شاخه‌های ادبیات داستانی ارائه شود.

۱-۲-۱ - داستان (Story)

انسان‌های نخستین همواره می‌کوشیدند اندیشه‌ها و تصورات خود را به نحوی بیان کنند و در معرض نمایش دیگران قرار دهند؛ سنگ‌نگاره‌ها و اشکال نگاشته شده‌ی روی دیوارها و غارها شاهی بر این ادعاست. شاید یکی از دلایل این امر، میل طبیعی و فطری انسان به جاودانگی بوده است. اما دلیل آن هرچه بود، سبب شد تا نوشتن و انتقال مفاهیم مورد نظر انسان به صورت مکتوب، به عنوان یک نیاز درآید. در پی رفع این نیاز بود که انسان به فکر اختراع خط افتاد و یکی از نخستین چیزهایی که به صورت نظام‌یافته و مدون نگاشت، داستان‌های آموخته از نیاکانش بود. داستان - بیشتر به صورت قصه - یکی از اولین آموخته‌های انسان و همراه همیشگی او بود. اگرچه نگاه انسان نخستین به داستان، متفاوت از نگاه انسان امروزی بود، اما بی‌تردید او نیز یکی از کارکردهای مهم داستان - یعنی لذت‌بخشی - را درک کرده بود. در واقع داستان با روح انسان عجین شده است و در طول تاریخ همواره انسان‌ها خود را نیازمند آن دانسته‌اند که به کمک داستان وارد دنیای شگفتی‌ها شوند.

در تعاریف گوناگونی که از بزرگان ادبی جهان درباره‌ی داستان ارائه شده است، عنصر زمان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند و توالی زمانی جزء لاینفک داستان به شمار می‌آید.

ای.ام. فورستر،^۱ نظریه‌پرداز، در کتاب جنبه‌های رمان، داستان را چنین تعریف می‌کند: «داستان، نقل وقایع است به ترتیب توالی زمان - در مثل، ناهار پس از چاشت و سه‌شنبه پس از دوشنبه و تباهی پس از مرگ می‌آید - و بر همین منوال. داستانی که واقعاً داستان باشد باید واجد یک ویژگی باشد: شنونده را بر آن دارد که بخواهد بداند بعد چه پیش خواهد آمد و بر عکس ناقص است اگر کاری کند که خواننده نخواهد بداند که بعد چه پیش خواهد آمد. ... داستان در حقیقت حقیرترین و ساده‌ترین ارگانیسم ادبی است، با این‌همه مهم‌ترین عامل مشترکی است که در همه‌ی ارگانیسم‌های پیچیده‌تری که به رمان معروفاند وجود دارد.» (فورستر، ۱۳۸۴: ۴۲)

به هر رو، داستان پایه و اساس همه‌ی انواع ادبیات داستانی بوده و قصه، داستان کوتاه، رمانس و رمان را نیز در بر می‌گیرد.

۱-۲-۲- رمان (Novel)

عصر جدید اروپایی با تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، رواج فردگرایی و پیدایش طبقه‌ی متوسط سیاسی و اجتماعی همراه بود و این رمان بود که بیش از هر نوع ادبی دیگری با طبقه‌ی متوسط سر و کار داشت؛ یعنی هم محصول زمان خود بود و هم به هر ترتیب دنباله‌ی هنر داستان‌نویسی محسوب می‌شد. در حقیقت وقتی فرد، هویت فردی خود را پیدا کرد، رمان تولد یافت. به عبارت دیگر رمان وقتی متولد شد که تقابل جهان‌بینی کهنه و نو، در اروپا و در زمینه‌های فلسفه، دانش، هنر و ادبیات آغاز گردید. (شکری، ۱۳۸۶: ۱۰۹)

^۱.Edgard Morgan Forster(1879-1970)

بسیاری از منتقدین جهان آغازگر رمان را - به عنوان شکل نوینی در ادبیات - سروانتس^۱، نویسنده و شاعر اسپانیایی (۱۶۱۷-۱۵۴۷) با اثر معروفش «دن کیشوت»^۲ می‌دانند.

«رمان را از زمانی می‌توان به عنوان یک قالب و راه و رسم تازه به حساب آورد که با آگاهی از وجود خویشتن و درک آگاهانه از هویت مشترک و یکسانش، پا به صحنه گذاشت و این مطمئناً پس از سال ۱۶۰۵ و زمانی بود که سروانتس بر ضد رمانس قرون وسطی واکنش نشان داد.» (سلیمانی، ۱۳۶۹: ۱۰۵)

اما حرکت رو به رشد رمان پس از سروانتس، با دانیل دوفو^۳، ساموئل ریچاردسون^۴ و فیلدینگ^۵ ادامه یافت و هر یک به استمرار و سرعت بخشیدن این حرکت کمک کردند. تعاریف ارائه شده از این نوع ادبی، بر وجه بلند و مفصل بودن داستانی آن اشاره دارند و تنها تمایز آن را از دیگر انواع، در کمیت آن می‌دانند.

«در حال حاضر واژه‌ی رمان در بر گیرنده‌ی انواع گوناگونی از داستان‌های بلند است که خصیصه‌ی مشترک همگی روایی بودن آن‌هاست. نکته‌ی تمایز رمان از داستان کوتاه نیز بسط و تفصیل آن است که به کارگیری مجموعه‌ای گسترده‌تر از شخصیت‌ها و ارائه‌ی ساختاری پیچیده‌تر را ممکن می‌سازد؛ به همان ترتیب که محیط وقوع داستان وسیع‌تر و بررسی دقیق افراد آن نیز آسان‌تر است.» (مقدادی، ۱۳۷۶: ۱۶)

«اصطلاح رمان بر نوشته‌های بسیار گوناگونی اطلاق می‌شود که تنها وجه مشترکشان در این است که مفصل‌اند و منثور و داستانی. رمان از این جهت که روایتی است مبسوط، از

1. Servantes

2. Don Quixote

3. Daniel Defoe(1660-1731)

4. Richardson(1684-1761)

5. Henry Fielding(1707-1754)